

صبح امروز

شماره
۱۶
۱۰
۱۴۰۳بازار در خط مقدم
اصلاحات ارزی

۴

اعتراض را جمع نکنید، مدنی اش کنید

آزادارمکی: پلیس مراقب معترضان باشد

۳

گزارش

چرا عبدالناصر همتی بهترین گزینه برای ساختمان شیشه ای بود؟

نگاهی به کارنامه همتی در روزهای بحران ارزی در دوره پیشین بانک مرکزی



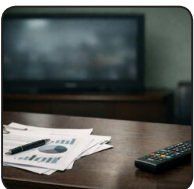
بازگشت عبدالناصر همتی به ریاست بانک مرکزی در شرایطی اتفاق می‌افتد که بازار ارز ملتهب است و دولت با موجی از نارضایتی‌های معیشتی روبه‌روست. انتخابی که به گفته رئیس‌جمهور، نه یک تصمیم سیاسی، بلکه نتیجه ارزیابی‌های کارشناسی ...

۴

گزارش

بودجه نجومی صداوسیما:

سنگر فرهنگی یا بنگاه سیاسی؟



افزایش چندبرابری بودجه صداوسیما در سال‌های اخیر، در کنار ریزش مخاطبان و تردیدها درباره آمارهای رسمی، دوباره نسبت هزینه و اثرگذاری رسانه ملی را به محل مناقشه تبدیل کرده است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرنگاران رشد شتابان بودجه سازمان صداوسیما در سال‌های اخیر، بار دیگر نسبت میان منابع مالی و اثرگذاری واقعی رسانه ملی را به یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حوزه رسانه تبدیل کرده است.

۵

گزارش

لایحه بودجه ۱۴۰۵:

محیط زیست همچنان قربانی تورم و بی‌اولیاتی دولت



لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که محیط زیست همچنان جایگاه شایسته‌ای در نظام بودجه‌ریزی کشور ندارد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از تسنیم، لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ که به‌تازگی از سوی دولت به مجلس شورای

اسلامی ارائه شده است، نشان می‌دهد علی‌رغم افزایش عددی برخی ردیف‌ها، محیط زیست همچنان جایگاه شایسته‌ای در نظام بودجه‌ریزی کشور ندارد؛ موضوعی که در شرایط تشدید بحران‌های زیست‌محیطی، بیش از گذشته نگران‌کننده به نظر می‌رسد.

۷



معاون استاندار خراسان رضوی مطرح کرد:

تعارض مقررات چالش اصلی مبارزه با قاچاق کالا

کاردین:

ترامپ دیگر به هیچ قانونی پایبند نیست

تا مداخلات یکجانبه و جنگ‌های غیرقانونی را به نام امنیت جهانی و حتی تحت پوشش یک وظیفه اخلاقی برای آزاد کردن زنان افغانستان یا آزاد کردن مردم عراق توجیه کند. به نوشته نسرين مالک حالا اما آمریکا اساساً دست به ریودن «نیکولاس مادورو»، رئیس‌جمهور ونزوئلا و تصاحب این کشور زده در حالی که برای این «کودتا» هیچ استدلالی غیر از دنبال کردن منافع ایالات متحده ندارد. او همچنین هیچ‌گونه اهمیتی به

سازماندهی یک کودتا علیه «نیکولاس مادورو»، رئیس‌جمهور ونزوئلا زده استدلال می‌کند که این به منزله بی‌اعتنایی کامل به قواعد و هنجارهای بین‌المللی است. تحلیلگر گاردین می‌نویسد: «تصور نمی‌کردم روزی برسد که اتفاقات مربوط به جنگ عراق و حملات خارجی که آمریکا به طور کلی تحت عنوان جنگ علیه تروریسم انجام داد تبدیل به نوستالژی شوند. حداقل برای مدتی آمریکا تلاش منسجمی می‌کرد

تحلیلگر نشریه انگلیسی معتقد است دونالد ترامپ با به اجرا در آوردن یک «کودتا» در ونزوئلا تنها قوانین را نشکسته بلکه صراحتاً این پیام را فرستاده که برای او هیچ قانونی وجود ندارد و باید نگران بود که تصمیمات او در نهایت برای غرب پشیمانی به بار نیآورد. به گزارش ایسنا، «تسیرین مالک»، تحلیلگر روزنامه انگلیسی «گاردین» در تحلیلی با ذکر اینکه «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا دست به

اعتراض را جمع نکنید، مدنی اش کنید

آزاد ارملی: پلیس مراقب معترضان باشد



اراده جمع کردن فوری نداشته باشد. چه کسی گفته اعتراض باید یک‌شنبه تمام شود؟ پلیس مراقبشان باشد، کنارشان باشد، تظاهراتشان را بکنند، برگردند.

واقعیت این است که اکنون رسانه ملی دیگر دست بالا را ندارد. چرا صداوسیما جان ندارد؟ چرا نمی‌تواند اثرگذار باشد؟ ایران اینترنت‌نشال دارد بسیج می‌کند. چرا؟ چه شده است؟ دو نفر آدم اخراجی با مهاجر که من خودم بعضی‌هایشان را می‌شناسم، رفته‌اند آن طرف و شده‌اند مدیر یک رسانه.

حالا از آن طرف، رئیس‌جمهور می‌آید می‌گوید من شما را می‌پذیرم. من منتقد پزشک‌ها هستم ولی این حرفش درست است. همین باعث شده خشونت کم شود. شما اعتراضات قبلی را نگاه کنید؛ از اول تا آخر شهر آتش بود، بانک می‌سوخت، درگیری خونین در خیابان راه می‌افتاد. اگر همین شرایط امروز با تحریک ترامپ و رسانه‌های خارجی می‌افتاد روی همان مسیر، باید صدها نفر کشته می‌شدند. ولی الان اصلاً قابل مقایسه نیست. این نشان می‌دهد کتش جامعه ایرانی مدنی است.

راهش چیست؟ فقط یک راه دارد: حاکمیت باید رفتارشان را مدنی کند. زیاد مداخله نکند، اراده تصاحب نداشته باشد، اراده جمع کردن فوری نداشته باشد. چه کسی گفته اعتراض باید یک‌شنبه تمام شود؟ مردم برای نشان، برای بچه‌شان، برای شغلشان به خیابان آمده‌اند. شما که نمی‌توانی همان لحظه به آن‌ها شغل بدهی. حالا می‌گویی کلابرگ می‌دهم، یک میلیون می‌دهم، باشد، شاید بخشی از مشکل را کم کند، ولی اجازه بده ده روز در خیابان باشند. پلیس مراقبشان باشد، کنارشان باشد، تظاهراتشان را بکنند، برگردند.

چرا این را نمی‌پذیریم؟ بعضی می‌گویند اگر این راه را بساز کنیم، همه می‌آیند به خیابان. نه، همه نمی‌آیند. کل جامعه که معترض نیست. یک گروه معترض کار خودش را می‌کند، بعد کم‌کم می‌بیند واقعیت چیست، منابع محدود است، توقعش را تنظیم می‌کند، زندگی‌اش را با همان منابع محدود صورت‌بندی می‌کند. مشکل این است که در این کشور همه نیروهای اجتماعی مردم را فریب داده‌اند. آرزوهای غلط در ذهن مردم ساخته‌اند. مگر احمدی‌نژاد نبود که گفت من برای هر ایرانی ویلا می‌سازم؟ بقیه رؤسای جمهور چه؟ نماینده‌ها، مسئول‌ها، مجلس همه دارند با آرزوهای توخالی سیاست‌تورزی می‌کنند، چون تخصص ندارند، نمی‌فهمند ثروت ملی یعنی چه.

همه فکر می‌کنند باید نفت را یک‌شبه خرج کنیم تا همه چیز درست شود. صنعت خودروسازی را نگاه کنید؛ هی ماشینی می‌سازد، می‌سازد، می‌سازد، بعد مردم را می‌کشاند به ثبت‌نام میلیونی. این کار درست است؟ بعد تقصیر را می‌اندازیم گردن مردم؟ نه، حکومت مشکل دارد، سیاست ندارد. خیابان‌های تهران پر از ماشینی است، بعد باز هم تولید ماشینی، رانت، اسراف، بریز و بپاش.

همین داستان در مراسم‌ها، در برنامه‌های نمایشی، در خرج‌های شهری هم هست. وقتی نداری، چرا این همه خرج می‌کنی؟ چرا ثروت ملی را آویزان می‌کنی به در و دیوار شهر؟ این یعنی یک نگاه خیالی و خیال‌پردازانه به حکمرانی. آرزوهای غیرواقعی را به مردم تحمیل می‌کنند، بدون اینکه بگویند منابع محدود است. تنها کسی که می‌تواند این واقعیت را به مردم بگوید حاکمیت است. اگر این کار را نکنند، بحران همین‌طور ادامه پیدا می‌کند.

مردم شعار نمی‌دانند در خیابان؛ می‌رفتند سراغ حزبشان، یقه حزبشان را می‌گرفتند، یقه کاندیدایشان را می‌گرفتند، اتحادیه‌شان را بازخواست می‌کردند. ولی ما این‌ها را حذف کردیم. باید یک جراحی اساسی اجتماعی در این کشور انجام شود. تا وقتی این جراحی اتفاق نیفتد، هیچ راه‌حلی جواب درست و حسابی نمی‌دهد.

آزاد ارملی: ما هزار تا حزب داریم. خوب، بیشترشان خفه شده‌اند. حزب نامشروع داریم، حزبی که رهبرانش همه متهم هستند، یک بار هم در تلویزیون ندیدیم صدایشان دربیاید. امروز احزاب واقعی که در کشور هستند را صدا کنید، از سه درصد تا صد درصد. با آدم‌های مبهم چه کار داریم؟ می‌بینم تلویزیون ما درباره مسائل اجتماعی و سیاست آدم‌هایی را نشان می‌دهد که معلوم نیست مدرک دارند یا نه.

تنها راه درست این است که احزاب فعال شوند و سیاستمداران واقعی وارد عمل شوند. کشور حدود ۴۰ تا ۵۰ سیاستمدار ممتاز دارد؛ آدم‌های باتجربه، سرمایه‌دار و با خطاهای معلوم و طرفدارانی که دارند. پس چرا این‌ها را خفه می‌کنیم؟ چرا آقای روحانی باید حذف شود؟ چرا آقای خاتمی، ظریف و باهنر نیستند؟ چرا لاریجانی قدرت کافی ندارد؟ این‌ها آدم‌هایی هستند که ملی هستند، چه راست باشند چه چپ، فرقی نمی‌کند. این‌ها را بیاییم وسط، بگذاریم حرف بزنند. صدا و سیما باید این فرصت را بدهد، احزاب باید فعال باشند و با آدم‌های با شناسنامه و واقعی جامعه صحبت شود. نه آدم‌هایی که فقط از یک انجمن یا گروه خاص هستند، بلکه با کسانی که واقعاً بازار و اقتصاد کشور در دستشان است، ثروت دارند و می‌توانند مشکلات را بفهمند و پیشنهاد دهند.

مثلاً بازار آدم با شناسنامه دارد، آدم بزرگ دارد. با این‌ها باید حرف زد، نه با آدم‌هایی که انجمن اسلامی می‌گوید کی بیاید و کی نیاید. این‌ها که وارد شوند می‌توانند راه‌حل بدهند، مشکلات واقعی مردم را بفهمند و با حاکمیت گفت‌وگو کنند. وقتی آدم‌های واقعی، با تجربه و متخصص کنار احزاب فعال قرار بگیرند، می‌شود کشور را به جای درست هدایت کرد.

اعتراض ماندگار، شرط سلامت جامعه است
ایرنا: حالا منابع مالی ناکافی‌طور؟ یعنی با توجه به منابع ناکافی مالی و دشواری بهبودی شرایط اقتصادی آیا دولت می‌تواند پاسخ راضی‌کننده به معترض‌ها بدهد؟

آزاد ارملی: ما اصلاً قرار نیست معترض‌ها را از خیابان جمع کنیم. اتفاقاً برعکس، معترض باید در خیابان بماند. باید همیشه باشد. برای چه؟ برای اینکه حاکمیت دچار گم‌گشتگی نشود، دچار خودفریبی نشود، فکر نکند همه چیز خوب است. معترض باید حضور داشته باشد؛ این لازمه سلامت جامعه است.

وقتی معترض در خیابان بماند و با واقعیت‌ها رویه‌رو شود، وقتی اطلاعات درست به او داده شود، وقتی بداند منابع چقدر است، بداند چه چیزی ممکن است و چه چیزی ممکن نیست، دیگر اعتراض تخریبی نمی‌شود. به سمت اعتراض مدنی می‌رود. حرفش را می‌زند، مطالبه می‌کند، فشار می‌آورد، ولی نمی‌خواهد همه چیز را خراب کند. مشکل از جایی شروع می‌شود که با معترض را حذف می‌کنیم یا به او دروغ می‌گوییم. آن وقت است که اعتراض از مسیر مدنی خارج می‌شود.

خشونت از سرکوب می‌آید، نه از اعتراض
ایرنا: آقای پزشک‌ها گفتگو کرد و اعتراض را به رسمیت شناخت؛ اما مواردی به خشونت کشیده شد چرا؟

آزاد ارملی: من می‌گویم این روش نتیجه داده است. همین خشونت‌ها کم شده است. آقای پزشک‌ها گفته است: ما می‌پذیریم، طبیعی است، قبول داریم مردم ناراضی هستند. خیلی هم خوب. ولی مسئله خشونت وقتی جمعیت بزرگ به خیابان می‌آید، پراکنده هستند، اصلاً بسیاری گوش‌شان به حرف رئیس‌جمهور و سخنگویش نیست، رسانه دیگری دارد روی آن‌ها اثر می‌گذارد.

آزاد ارملی: حاکمیت باید رفتارشان را مدنی کند. زیاد مداخله نکند، اراده تصاحب نداشته باشد،

تقصیر آمریکاست، تقصیر تحریم است. طبیعتاً مردم هم می‌گویند باشه، پس تحریم را حل کنید. ما خودمان این را به مردم آموزش دادیم؛ گفتیم راه‌حل همین است. در حالی که هر مسئله‌ای مشکل خاص خود را دارد. ما اجازه ندادیم جامعه مشکل خود را خودش حل کند. گفتیم همه چیز به تحریم مربوط است، اول باید مشکل آمریکا حل شود تا بقیه مشکلات حل شود. این حرف رسمی حاکمیت است. کافی است رسانه ملی را نگاه کنید؛ صبح تا شب می‌گوید مرگ بر آمریکا، تحریم، تحریم. بعد هم می‌گویند مردم حرف نزنید، مشکلات به خاطر تحریم است. در صورتی که رهبری نیز گفتند بسیاری از مسائل راه‌حل‌های داخلی دارد و اصلاً ربطی به تحریم ندارد. این یعنی مسیر را اشتباه به جامعه نشان دادیم و بعد تعجب می‌کنیم چرا اعتراض‌ها سیاسی می‌شود.

ایرادی که من به سازه جمهوری اسلامی دارم این است که خودش را با یک دوگانه ساخته؛ دوگانه دولت-ملت. یعنی می‌گوید یک مردمی داریم و یک حاکمیتی داریم؛ مستضعفین این‌سو و صاحبان قدرت آن‌سو. این دوگانه را احمدی‌نژاد بسیار خوب استفاده کرد و با آن بالا آمد؛ گفت مستکبرین در حاکمیت هستند. بعد چه شد؟ هر کسی در حاکمیت بود را نسبت مستکبر داد. خودش با همین شعارها بالا آمد، ولی بعد در همان سازه گیر کرد و خودش نیز جزو همانهایی شد که از آن‌ها حرف می‌زد. این دوگانه دولت-ملت که ساخته شد، حاکمیت نیز در آن افتاد اما یک نکته بسیار مهم در این میان حذف شد: مجموعه نیروهای فعال اجتماعی؛ آن‌هایی که باید میدان‌دار باشند، وسط بایستند و کار را جمع کنند. میدان‌دارهای این کشور.

حذف احزاب یعنی حذف طبقه متوسط
دنیا‌نه با توده خالی سرو سامان می‌گیرد و نه فقط با حاکمیت. دنیا با یک لایه میانی سر پا می‌ماند؛ من اسم این لایه را می‌گذارم طبقه متوسط. از روز اول هدف حذف همین طبقه متوسط بود؛ زدن آن، تضعیف آن، نابود کردن آن. چگونه؟ بسیار ساده؛ با حذف احزاب. اکنون ما در این کشور حزب نداریم. همین امروز، در ماجرای بازار، اگر بازار بخشی از یک حزب بود، مسئله از طریق حزب قابل گفت‌وگو بود. رئیس‌جمهور نمی‌آید با ۵۰ نفر صحبت کند. باید می‌رفت با نماینده رسمی بازار، با حزب یا اتحادیه‌اش گفت‌وگو می‌کرد. نه اینکه ۵۰-۶۰ نفر بیایند و بعد ۱۰۰ نفر دیگر بگویند ما در جلسه نبودیم، پس قبول نداریم.

این یعنی حذف نیروهای واسط؛ احزاب، نمایندگان جامعه مدنی، اتحادیه‌ها، سیاستمداران جافتاده، خاندان‌ها، تاجران مهم، صاحبان ثروت و قدرت. مگر شما می‌توانید مشکل کشور را بدون تاجر کفش، تاجر روغن، تاجر مواد غذایی حل کنید؟ وزیر و مدیرکل می‌آید با یک رانت، یک سیاست اقتصادی می‌چیند، ارز وارد می‌کند، بعد بخش بزرگی از تاجران این کشور بلا تکلیف می‌مانند. نتیجه‌اش چیست؟ امروز روغن کم می‌شود، فردا مرغ، پس فردا لوبیا. این‌ها اتفاقی نیست. این‌ها نتیجه یک مدل حکمرانی است که بر اساس حذف نیروی واسط و ارتباط مستقیم با توده ساخته شده؛ این تصور که می‌شود مستقیم با مردم با توده قدرت، سامان اجتماعی ایجاد کرد. اما این نیروها اکنون غایب‌اند و تا زمانی که حاکمیت این نیروهای میانی را به رسمیت نشناسد، واقعاً نمی‌تواند مشکل کشور را حل کند.

احزاب کجا هستند؟ این کشوری که روز اول شروع می‌شود، همه مذهبی‌ها متمرکز می‌شوند در حزب جمهوری اسلامی؛ چرا حزب جمهوری اسلامی فرو می‌ریزد، چه کسی آن را فرو می‌ریزد؟ چرا حذفش می‌کنیم؟ چرا اجازه نمی‌دهیم یک حزب دیگر هم رویه‌رویش شکل بگیرد؟ اگر حزب بود، اگر رقابت حزبی بود، جامعه از مسیر حزب جلو می‌رفت، بحران دقیقاً از همین نگاه سیاسی بیرون می‌آید؛ بعد با جامعه‌ای طرف هستیم که هزار تا مشکل دارد و خب طبیعی است شروع می‌کند شعار سیاسی دادن.

اگر این سازوکار وجود داشت، اگر حزب بود،

اصلی این بوده که مردم می‌خواستند وضعیت خود را بهتر کنند. حالا نکته این است که اعتراضات دی‌ماه امروز معارض با اعتراضات ۱۴۰۱ یا پیش‌تر نیست؛ در واقع انباشتی از همان اعتراضات قبلی است. اگر نگاه کنید، بسیاری از عناصر اعتراضات گذشته در آن حضور دارند و هم‌ان آدم‌های معترض نیز ناظر و حاضر هستند.

مثلاً در ماجرای جنبش مهسا، جامعه کاملاً به بیرون آمد و دغدغه خود را اعلام کرد؛ جامعه خواست حکومت به حرفش تن دهد. به نظرم تا حدود زیادی موفق بودند، ولی آن نیرو گم نشد. هنوز هم آماده است؛ همان افرادی که در سال‌های ۹۶ و ۹۸ اعتراض کردند، هنوز فعال هستند.

چه چیزی این‌ها را به هم وصل کرده است؟ ببینید، در تهران و ایران روزی نیست که تظاهرات وجود نداشته باشد: جلوی مجلس، در خیابان‌ها، جلوی بانک‌ها، ادارات، دانشگاه‌ها، همیشه یک گروه حضور داشته است. این یک موضوع مثبت است، اما بعضی‌ها فکر می‌کنند منفی است. جامعه جان دارد. وقتی بازنمستگان مخابرات می‌گویند نامی‌توانیم زندگی کنیم، حتی برخی نیروهای انتظامی نیز اعتراض می‌کنند، این‌ها همه نشانه عمل است.

اعتراضات دی‌ماه محصول بی‌پاسخ ماندن مجموعه اعتراضات پیشین است
وقتی یک گروه حساب می‌گیرد، برای اعتراض بعدی آماده می‌شود و آن‌هایی که جواب نمی‌گیرند نیز بعداً نقدهای انباشته خود را نشان می‌دهند. اعتراضات دی‌ماه محصول مجموعه اعتراضات پیشین و بی‌پاسخ ماندن آن‌هاست. حالا ما امروز در وضعیتی هستیم که همه می‌دانیم مشکل اقتصادی داریم. رهبری نیز گفتند ارزش پول ملی پایین آمده و این فکت واقعی است. مشکلات اقتصادی همه‌جا سرايت کرده و همه مردم گرفتار شده‌اند. اعتراضات دی‌ماه خود را بیشتر نشان می‌دهد و بسیار شنیده و دیده می‌شود.

تفاوت اصلی با اعتراضات قبلی این است که قبلاً ممکن بود یک یا دو نیرو باشند، اما اکنون اعتراض چندین نیرو را با خود دارد: بازاری‌ها، دانشجوی‌ها، گروه‌های اجتماعی فرودست، قومیت‌ها و... همه حضور دارند. بازاری می‌گویند: امروز کالایی که خرید نمی‌توانم بفروشم و مجبورم با ضرر بفروشم. مشتری هم نیست. دانشجو می‌گوید: من درس می‌خوانم، برای چه؟ مشکل اشتغال نیز وجود دارد. این مجموعه نیروهای اجتماعی است که باعث شده دوره درخشان اعتراضات اجتماعی شکل بگیرد. اصلاً موضوع بدی نیست و مسئله خود را نشان می‌دهد.

حکومت اعتراض معیشتی را سیاسی و امنیتی می‌کند
آزاد ارملی: درست است، چون ما عملاً به مردم آموزش دادیم که هیچ‌گاه شعار دقیق ندهند؛ شعار سیاسی بدهند. مشکل کجاست؟ مشکل ساماندهی است. این حکومت است که اعتراض معیشتی را به سمت شعار سیاسی هدایت می‌کند. کسانی که مدیریت بحران‌های اجتماعی را در دست دارند، اصلاً نمی‌فهمند که هر بحران اجتماعی، هر آسیب اجتماعی و هر اعتراض اجتماعی باید در جای خودش تعریف شود. هر کدام نیروی خود را دارد، منطق خود را دارد و باید با همان منطق صورت‌بندی شود. اما ما چه می‌کنیم؟ اول ملی‌اش می‌کنیم، بعد امنیتی‌اش می‌کنیم و سپس با زور مداخله می‌کنیم تا حلش کنیم.

در حالی که باید بفهمند اعتراض اجتماعی قرار نیست یک‌بار برای همیشه حل شود. اعتراض برای بهتر شدن زندگی است و باید مدام در خیابان‌های تهران و شهرهای دیگر مطرح باشد. ساماندهی دوباره حکومت و حکمرانی نیز باید یک امر مستمر باشد. من واقعاً معتقدم بقای جامعه در این است که حضور و تظاهرات مردم به‌طور دائمی وجود داشته باشد.

مسئله این نیست که کالا در بازار هست و مردم پول ندارند بخرند. نه، اصلاً کالا نیست. چرا نیست؟ زیرا حکمرانی دچار رهم‌ریختگی و خودآرایی شده و همه چیز آنجا گره خورده است. همه مشکلات به همان‌جا منتقل می‌شود. حالا حکومت چه می‌گوید؟ می‌گوید همه مشکلات

ایرنا: «تقی آزاد ارملی» تأکید می‌کند که اعتراضات دی‌ماه نه فقط ناشی از نارضایتی، بلکه نشانگر توان و جان جامعه ایرانی است. او می‌گوید مردم برای نشان، بچه‌شان و برای شغلشان به خیابان آمده‌اند. شاید کلابرگ بخشی از مشکل را کم کند، اما اجازه بدهید ۱۰ روز در خیابان باشند. پلیس کنارشان و مراقبشان باشد تا تظاهرات کنند و برگردند.

در حالی که تعامل با جهان و بهبود وضعیت اقتصادی از مسیر رفع تحریم‌ها، شعار محوری دولت مسعود پزشکیان بود، تحولات پرشتاب منطقه و در نهایت تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران، عملاً مسیر تعامل ایران با غرب را به بن‌بست کشانده است. از سوی دیگر، طرح شرطی مانند کنار گذاشتن برنامه موشکی از سوسی طرف آمریکایی از نظر مقامات عالی‌کلاس غیرقابل‌پذیرش تلقی می‌شود و همین مسئله، مذاکره و تعامل را به گزینگی تقریباً ناممکن تبدیل کرده است.

در چنین شرایطی، تشدید مشکلات اقتصادی به ویژه تورم فزاینده و نبود چشم‌انداز روشن برای بهبود وضعیت معیشتی، بخش‌هایی از جامعه را به سمت اعتراضات اقتصادی سوق داده؛ اعتراضاتی که در ادامه به طرح شعارهای سیاسی علیه حاکمیت انجامیده است.

برای بررسی دقیق‌تر ماهیت این اعتراضات، فهم منطق شکل‌گیری آن‌ها و همچنین بررسی شیوه‌های برخورد و تعامل با این وضعیت اجتماعی، پژوهشگر ایرنا به گفت‌وگو با دکتر «تقی آزاد ارملی» استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران پرداخته است تا پرسش‌هایی را در این زمینه با ایشان در میان بگذاریم.

جامعه‌ای که زور اعتراض دارد، نمی‌میرد
اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ که از تهران آغاز شد و به برخی شهرهای کوچک و بزرگ نیز گسترش پیدا کرد، به نظر شما، از نظر جنس اعتراض، نوع مطالبات و طبقات اجتماعی فعال چه ویژگی‌هایی دارد؟ آیا این اعتراضات از نظر ماهیت و نیروهای درگیر، شباهت بیشتری به اعتراضات آبان ۱۳۹۸ دارد یا به وقایع ۱۴۰۱ نزدیک‌تر است؟

آزاد ارملی: یک نکته مهم در این سؤالی نرفته است و آن این است که جامعه ایرانی، ذاتاً جامعه اعتراضی است؛ یعنی نشان می‌دهد ما هر لحظه ممکن است وارد یک فاز جدیدی از اعتراض اجتماعی شویم. این خود یک ویژگی مهم از ایران را نشان می‌دهد؛ اینکه ایرانی‌ها با هر شکل و شمایل و هر صورت‌بندی اجتماعی است که دارند، دغدغه‌شان بهتر شدن وضعیت زندگی است. دنبال زندگی و بهتر هستند و می‌خواهند با تکیه به توانایی‌ها و سرمایه‌هایی که خود دارند، از بحران‌ها و مشکلات عبور کنند.

آزاد ارملی: اینکه ایرانی‌ها با هر شکل و شمایلی با هر صورت‌بندی اجتماعی‌ای که دارند، دغدغه‌شان بهتر شدن وضعیت زندگی است. دنبال زندگی و بهتر هستند و می‌خواهند با تکیه به توانایی‌ها و سرمایه‌هایی که خود دارند، از بحران‌ها و مشکلات عبور کنند.

به نظرم این حرف خیلی مهم است و واقعاً ارزش فکر کردن بیشتر را دارد. ما با یک جامعه منزوی، منفعل، بی‌اراده یا جامعه‌ای که هر کاری بخواهید با آن بکنید طرف نیستیم. این گونه نیست؛ ما با یک جامعه طریم که منطق عمل دارد، منطق زیست اجتماعی دارد، زنده است. دقیقاً به همین دلیل است که اعتراض می‌کند. چون توانش را دارد. چون جان دارد. جامعه‌ای که جان نداشته باشد، اصلاً اعتراض هم نمی‌کند. یک چیزی در خانواده ما می‌گفتند که «یک کسی که می‌خواهد بمیرد هم باید زور داشته باشد که بمیرد». ببینید، جامعه وقتی می‌خواهد یک حرکت بنیادین انجام دهد، خودش را جابجا می‌کند، اعتراض می‌کند. اگر جان نداشت که اعتراض نمی‌کرد. منتظر نیست که یکی از جهان ماورا بیاید و ایران را نجات دهد، یا یکی از بیرون بیاید مشکلات را حل کند. این نکته است.

در همه اعتراضاتی که بعد از انقلاب شکل گرفته، تقریباً همین نکته وجود داشته است: هر گروهی که مدیریت می‌کرده و هر داعیه‌ای که داشته، مسئله

صلح با زور ترامپ، همان قانون جنگل است

رضا حاجی محمدی

وزیر امور خارجه ایران گفت: وقتی که ترامپ با زبان زور از صلح صحبت می کند، در حقیقت از قانون جنگل صحبت می کند.

به گزارش ایسنا، «سید عباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ضمن تشریح موضوعات مطرح شده در نشست عصر دوشنبه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، به خبرنگاران گفت: مرور و بررسی تحولات جاری بین المللی و موضوعات مربوط به تهاجمات آمریکا و رفتار غیرقانونی و غیرحقوقی ایالات متحده با همه دنیا، در دستور کار بود.

وزیر امور خارجه اظهار کرد: وقتی که ترامپ با زبان زور از صلح صحبت می کند، در حقیقت از قانون جنگل صحبت می کند و می گوید هر کسی زورش بیشتر باشد، می تواند هر کاری بخواهد انجام دهد. این در حالی است که همگان تلاش داشتند صلح از طریق دیپلماسی و گفتگو به دست بیاید اما چنین موضوعی یعنی از بین بردن همه دستاوردهای جامعه بین الملل در طول ۸۰ سال گذشته و بعد از جنگ جهانی دوم که بر اساس آن سعی کردند نظام بین الملل را مبتنی بر قانون و حقوق بین الملل تنظیم کنند. این امر تحول جدیدی بوده و موجب شده تقریباً همه کشورها و به اصطلاح متفکران روابط بین الملل نسبت به آن مسئله داشته باشند و آن را مفضل بدانند.



عراقچی تصریح کرد: همچنین در نشست امروز با نمایندگان قوه مقننه، آخرین وضعیت ونزوئلا و آنچه رخ داده مرور شد. سفارت جمهوری اسلامی ایران در ونزوئلا همچنان برقرار است و سفیر و همکاران ما مشغول به فعالیت هستند؛ بر این اساس اوضاع مرتب رصد می شود و از وضعیت اتباع ایرانی در این کشور گزارش داده می شود. اوضاع آنها کاملاً خوب بوده و هیچ مشکلی گزارش نشده و حتی آمادگی برای هر شرایطی نیز وجود دارد.

وزیر امور خارجه ایران ادامه داد: همچنین در این میان نسبت به موضوع دیپلماسی اقتصادی و اینکه چگونه سیاست خارجی می تواند به تامین نیازهای کشور کمک کند صحبت های بسیار خوبی انجام شد. باید اذعان کرد در رابطه با ظرفیت های همسایگان و نحوه بهره برداری از آنها نیز صحبت شد.

وی بیان کرد: البته موضوع تحریم ها و آخرین وضعیت این امر و اینکه برای رفع محدودیت های ظالمانه باید از چه مسیری حرکت کرد نیز صحبت های بسیار خوبی مطرح شد.

عراقچی با بیان اینکه همکاری های بیشتر میان وزارت امور خارجه و کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز از دیگر مسائلی بود که در رابطه با آن تبادل نظر صورت گرفت، خاطر نشان کرد: بر این اساس با توجه به قرار گرفتن در فصل تدوین بودجه سال آینده، در خصوص بودجه دستگاه دیپلماسی نیز صحبت شد.

کاردین:

ترامپ دیگر به هیچ قانونی پایبند نیست

مر ترضی بنانزاد



تحلیلگر نشریه انگلیسی معتقد است دونالد ترامپ با به اجرا در آوردن یک «کودتا» در ونزوئلا تنها قوانین را نشکسته بلکه صراحتاً این پیام را فرستاده که برای او هیچ قانونی وجود ندارد و باید نگران بود که تصمیمات او در نهایت برای غرب پیشمانی به بار نیاید.

به گزارش ایسنا، «نسرین مالک»، تحلیلگر روزنامه انگلیسی «گاردین» در تحلیلی با ذکر اینکه «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور آمریکا دست به سازماندهی یک کودتا علیه «تیکولاس مادورو»، رئیس جمهور ونزوئلا زده استدلال می کند که این به منزله بی اعتنایی کامل به قواعد و هنجارهای بین المللی است. تحلیلگر گاردین می نویسد: «تصور نمی کردم روزی برسد که اتفاقات مربوط به جنگ عراق و حملات خارجی که آمریکا به طور کلی تحت عنوان جنگ علیه تروریسم انجام داد تبدیل به نوستالژی شوند. حداقل برای مدتی آمریکا تلاش منسجمی می کرد تا مداخلات یکجانبه و جنگ های غیرقانونی را به نام امنیت جهانی و حتی تحت پوشش یک وظیفه اخلاقی برای آزاد کردن زنان افغانستان یا آزاد کردن مردم عراق توجیه کند.»

به نوشته نسرین مالک حالا اما آمریکا اساساً دست به ربودن «تیکولاس مادورو»، رئیس جمهور ونزوئلا و تصاحب این کشور زده در حالی که برای این «کودتا» هیچ استدلالی غیر از دنبال کردن منافع ایالات متحده ندارد. او همچنین هیچ گونه اهمیتی به اینکه برای این حمله از سوی نهادهای قانونگذار داخلی یا بین المللی تأییدیه کسب کند، قائل نشد چه برسد به اینکه به رضایت عامه مردم اهمیت دهد.

این تحلیلگر با استناد به این تحولات

کشنده خود را در دل شب به کار گیرد، دهه بی گناه را بکشد و با هیچ گونه توبیخی و حتی با هیچ گونه پیامدی روبه رو نشود.»

این تحلیلگر بیان داشت: «حمله به ونزوئلا هر آنچه از ظاهرسازی و وانمود کردن به اینکه اراده ای برای دفاع از هنجارهای زیربنای امنیت جهانی وجود داشته و هر گونه تلاش برای تصرف یا الحاق اراضی یا تغییر دادن رژیم در یک کشور با پیامدهای مادی یا اجتماعی بازدارنده مواجه می شود را زدود. جهان هم اکنون آماده پذیرش این پیام شده است. خاورمیانه اکنون به یک کانون بحران و محل رقابت بین دولت های حوزه خلیج فارس تبدیل شده در حالی که آمریکا و اسرائیل با قائل شدن یک آزادی عمل بی قیدو بند در آنجا برای خود، باعث متشنج شدن بیش از پیش این منطقه شده اند. ما اقدامات آنها را در فلسطین، سوریه و لبنان می بینیم. عربستان سعودی و امارات متحده عربی، ۲ متحد قدرتمند سابقاً از نزدیک برنامه های منطقه ای جاه طلبانه را بر سر

در مقابل هم صف آرایی کرده اند. تشدید تهدیدات و اقدامات نظامی طرفین (عربستان سعودی اخیراً یک محموله وسایل خودروهایی رزمی امارات به مقصد یمن را مورد هدف قرار داد و این کشور را متهم به خطر آفرینی برای امنیت ملی خود کرد - جبهه بی سابقه ای را در خلیج فارس گشوده است.»

گاردین نتیجه گرفت: «چنین هرج و مرجی بیشتر توسط نقش امپریالیستی سوال برانگیز جدید امارات در منطقه و فراتر از آن در جنگ بی رحم سودان ممکن شده است و این کشور به باشگاه کشورهای پیوسته که با هیچ پیامدی روبه رو نمی شوند.»

سابق هندوراس و راس اولبرپجت و لری هورر، ۲ فرد محکوم به حبس ابد از بابت محکوم شدن به خاطر قاچاق مواد مخدر را مورد عفو قرار داده و آزاد کرد.

به گفته نسرین مالک، دونالد ترامپ در پی این تجاوزگری با انتشار پست هایی پیروزمندانه در شبکه های اجتماعی شامل ویدیوهای همراه با موسیقی هیپ هاپ و تصویری از خودش همچون رئیس یک باند گانگستر آشکارا این پیام را فرستاده که اقدامات آمریکا تابع فرآیند قانونی نیست.

گاردین می نویسد: «پیام کودتای نمایشی ترامپ در ونزوئلا این نبود که «دست قانون بلند است» بلکه قرار است این پیام را بفرستد که آمریکا خودش را قانون دانسته و تابع قانون بالاتری نیست و می تواند قدرت بسیار

در موضوع حمله به ونزوئلا حتی هیچ تلاش قابل توجهی برای آنکه در استدلال ها و بهانه های ادعایی خود برای اجرای این حمله غیرقانونی انسجام برقرار کند هم به خرج نداده است. آمریکا پیشتر ادعا کرده که مادورو به سبب «تروریسم مواد مخدر» و اتهامات دیگر از جمله «توطئه برای اکتساب مسلسل و دستگاه های مخرب به منظور استفاده علیه ایالات متحده» گناهکار است اما همین اتهامات ادعایی نیز «نه تنها توجیهی قابل قبول برای حمله و آدم ربایی محسوب نمی شوند بلکه ظاهراً حتی خود ترامپ به چندین اتهاماتی اعتنایی ندارد وقتی که عملاً قبیل از این چند فرد متهم به دست داشتن در قاچاق مواد مخدر همچون خوان اورلاندو هراندز، رئیس جمهور

تصریح می کند: «دیگر دورانی که در آن آمریکا تلاش می کرد در توجیه یک حمله، جهان را متقاعد کند که صدام سلاح های کشتار جمعی دارد تمام شده است؛ توجیهی که البته آن هم توخالی از آب درآمد چون هیچ اطلاعات و سندومدرکی آن را تأیید نکرد.»

«پیت هگست»، وزیر جنگ آمریکا در توجیه حمله به ونزوئلا مدعی شد: «مادورو دریافت آمریکا می تواند اراده خود را در هر کجا و هر زمان اعمال کند.»

دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا نیز با ذکر این ادعا که ایالات متحده می خواهد ونزوئلا را اداره کند، گفت: «ما قرار است در بخش نفت ونزوئلا حضور داشته باشیم.»

به گفته تحلیلگر روزنامه انگلیسی واشنگتن

بازار در خط مقدم اصلاحات ارزی

محسن مظفر - کارشناس و فعال صنف لبنیات



اصلاح سیاست‌های ارزی و حذف رانت‌ها اگرچه ضروری است، اما نوسان نرخ ارز و کمبود نقدینگی در دوره گذار، نگرانی اصناف و بازاریان را تشدید کرده است.

اصناف و بازاریان همواره در بطن تحولات اقتصادی و اجتماعی کشور نقش آفرینی کرده‌اند؛ قشری که به‌عنوان آخرین حلقه زنجیره اقتصاد، پیونددهنده تولید، واردات و مصرف هستند و به‌واسطه گستردگی فعالیت و ارتباط مستقیم با آحاد جامعه، عملاً قلب تپنده اقتصاد شهری و معیشتی محسوب می‌شوند.

واحد‌های صنفی، حلقه واسط میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان‌اند و با انتقال جریان نقدینگی از سطح مصرف به بخش تولید، چرخ اقتصاد را به حرکت درمی‌آورند. از همین رو، هرگونه اختلال در فضای اقتصادی، نخستین نشانه‌های خود را در بازار و اصناف نشان می‌دهد.

در سال‌های اخیر، اقتصاد ایران بیش از گذشته تحت تأثیر محدودیت‌های ناشی از تحریم، به‌ویژه در حوزه‌های بانکی، تجاری و تأمین ارز قرار گرفته و طبیعی است که اتحادیه‌ها و اصناف نیز از پیامدهای آن مصون نمانده باشند. بازاریان بارها خواستار ثبات بازار ارز، تسهیل واردات قطعات و مواد اولیه، تخصیص به‌موقع ارز و رفع ناترازی انرژی شده‌اند؛ مطالباتی که ریشه در واقعیت‌های روزمره کسب‌وکار دارد.

نوسانات نرخ ارز، قطعی‌های مکرر برق و گاز، دشواری در واردات مواد اولیه و افزایش هزینه‌های تولید، طی سال‌های گذشته فشار مضاعفی را بر اصناف وارد کرده است؛ فشاری که در عمل به کاهش سرمایه در گردش و تضعیف توان ادامه فعالیت بسیاری از واحدهای صنفی منجر شده است.

در چنین شرایطی و هم‌زمان با تلاش دولت چهاردهم برای اصلاح سیاست‌های ارزی گذشته، حذف ارز چندنرخ و کاهش رانت‌های پنهان با هدف شفاف‌سازی اقتصاد، شاهد بروز واکنش‌هایی در بخشی از بازار بودیم. اعتراض اصلی این فعالان نه به اصل اصلاحات، بلکه به پیامدهای کوتاه‌مدت آن بازمی‌گردد. بسیاری از بازاریان می‌گویند نقدینگی محدودی در اختیار دارند و با هر جهش نرخ ارز، توان خرید مواد اولیه یا کالاهای مورد نیازشان کاهش می‌یابد؛ موضوعی که در نهایت به کاهش عرضه، افزایش قیمت و فشار بیشتر به مصرف‌کننده منجر می‌شود.

بخش قابل توجهی از اصناف با سیاست تک‌نرخ شدن ارز و حذف رانت موافق‌اند و آن را ضرورتی برای ثبات بلندمدت اقتصاد می‌دانند؛ اما هم‌زمان تأکید دارند که دوره گذار به این سیاست‌ها بدون تمهیدات حمایتی، می‌تواند فشار سنگینی بر توزیع‌کنندگان و تولیدکنندگان وارد کند.

به گفته فعالان صنفی، نوسان ارز موجب بلاتکلیفی در قیمت تمام‌شده محصولات شده و امکان برنامه‌ریزی را از تولیدکنندگان سلب کرده است. در شرایطی که مواد اولیه و قطعات وارداتی با قیمت و زمان نامشخص تأمین می‌شود، تولیدکننده نه می‌تواند قیمت‌گذاری دقیقی داشته باشد و نه قادر است تعهد پایداری نسبت به بازار مصرف ارائه دهد.

از سوی دیگر، افزایش قیمت نهاده‌ها و مواد اولیه - گاه با توجیه رشد نرخ دلار - به کاهش قدرت خرید مردم انجامیده و در نهایت چرخ تولید را کند کرده است؛ چرخ‌های معیوب که هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده را متضرر می‌کند.

واقعیت آن است که اصلاحات ارزی، اگرچه گامی ضروری در مسیر شفافیت و کاهش رانت محسوب می‌شود، اما موفقیت آن در گرو همراهی سیاست‌های حمایتی، ثبات در بازار ارز، تسهیل تأمین مواد اولیه و اعتمادسازی برای فعالان اقتصادی است. بدون این ملاحظات، بار اصلاحات بیش از آنکه به ساختارهای ناکارآمد گذشته برسد، بر دوش اصناف و تولیدکنندگان سنگینی خواهد کرد.

کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ در مجلس تصویب شد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ رای مثبت دادند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از ایلنا گزارش کمیسیون تلفیق درباره کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ در جلسه علنی روز (دوشنبه) بررسی شد.

ایسنا نوشت: بعد از رد کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ در جلسه دوشنبه (۸ دی) کمیسیون تلفیق، رئیس‌جمهور در نامه‌ای به مجلس اعلام آمادگی دولت برای انجام اصلاحات پنج‌گانه در زمینه موضوعات مربوط به معیشت، کالا، برگ، مالیات و حقوق و مزایا در بودجه را اعلام

کرد و بر این اساس رأی‌گیری درباره کلیات بودجه در مجلس به تعویق افتاد تا دولت اصلاحات مورد نظر را با هماهنگی کمیسیون تلفیق در لایحه اعمال کند. روز گذشته، کلیات لایحه بودجه در جلسه کمیسیون تلفیق با در نظر گرفتن اصلاحات اعمال شده به تصویب رسید.

چرا عبدالناصر همتی بهترین گزینه برای ساختمان شیشه‌ای بود؟

نگاهی به کارنامه همتی در روزهای بحران ارزی

در دوره پیشین بانک مرکزی

زیرساخت‌های پرداخت الکترونیک را تقویت کرد و پروژه «ربال دیجیتال» و طرح حذف چهار صفر از پول ملی (تغییر واحد به تومان) را کلید زد که به تصویب ارکان حاکمیتی رسید.

دیپلماسی فعال برای آزادسازی

منابع

در جبهه بین‌المللی نیز، همتی تلاش‌های گسترده‌ای را برای آزادسازی منابع ارزی بلوکه شده ایران در کشورهای نظیر کره جنوبی و عراق به کار بست تا جریان ورود ارز به کشور در شرایط تحریم قطع نشود. با وجود بحران جهانی کرونا و تشدید تحریم‌ها، وی موفق شد در سال ۱۳۹۹ نرخ رشد اقتصادی ایران را به محدوده مثبت بازگرداند که یک دستاورد آماری قابل توجه در دوران رکود تلقی می‌شد.

همتی به عنوان رئیس بانک مرکزی چه دستاوردی داشت؟

بنابراین در طول دوره نخست ریاست عبدالناصر همتی بر بانک مرکزی، یکی از دستاوردهای مهم او ایجاد ثبات نسبی در بازار پول و ارز بود، به‌گونه‌ای که سیاست‌های نوین پولی و مدیریت فعال بازار ارز به کاهش نوسان‌های شدید کمک کرد و وضعیت بازار را در مقاطعی نسبت به دوره‌های بحرانی پیشین پایدارتر کرد. همتی با به‌کارگیری ابزارهایی مانند بازار متشکل ارزی و تمرکز بر کنترل گردش ریال و مسدودسازی مسیره‌های سفته‌بازی تلاش کرد تا التهابات موجود در بازار ارز را که ناشی از تحریم‌ها و کاهش شدید درآمدهای ارزی بود، تا حد ممکن مهار کند؛ اقدامی که به گفته خودش منجر به ایجاد ثبات در بازار پول و ارز در شرایط فشار حداکثری شد.

همچنین در دوره مدیریت او در بانک مرکزی، تمرکز بر کنترل نقدینگی و حمایت از تولید داخلی از اهداف اصلی این نهاد اعلام شده بود، به طوری که همتی بارها تأکید کرد بانک مرکزی باید با کنترل حجم نقدینگی و تمرکز بر تأمین منابع لازم برای واحدهای تولیدی، فرصت بیشتری برای رشد اقتصادی و کاهش فشارهای تورمی فراهم کند.

همتی همچنین در جلسات رسمی و دیدار با فعالان اقتصادی نیز بر لزوم کاهش نوسانات نرخ ارز و تلاش برای بهبود محیط کسب‌وکار و پشتیبانی از تولید به عنوان بخشی از راهکارهای کلان اقتصادی تأکید کرد.

به هر حال اکنون همتی در حالی به ساختمان شیشه‌ای بانک مرکزی بازگشته است که وعده داده رانت ناشی از ارز چندنرخ را حذف کرده و هماهنگی بیشتری میان بازار پول و سرمایه ایجاد کند. او که سابقه عبور از گردنه‌های سخت اقتصادی را در کارنامه دارد وظیفه سنگینی برای جلب رضایت مردم در شرایط سخت اقتصادی پیش رو دارد.



تراکنش‌های روزمره و واقعی مردم ایجاد کنیم.»

جراحی بزرگ همتی در نظام بانکی
علاوه بر مدیریت بازار، او دست به یک جراحی بزرگ در نظام بانکی زد. ادغام بانک‌های وابسته به نیروهای مسلح (انصار، قوامین، مهر اقتصاد، حکمت ایرانیان و مؤسسه کوثر) در بانک سپه، پروژه‌ای بود که با هدف انضباطبخشی به بازار پول و کاهش ناترازی‌های عمیق بانکی به سرانجام رسید. این اقدام نه تنها از تکرر مراکز قدرت پولی کاست، بلکه گامی بلند برای شفافیت مالی در ایران محسوب می‌شد.

نوسازی ابزارهای پولی و گام به سوی دیپلماسی ارزی
در دوران نخست ریاست همتی، بانک مرکزی برای اولین بار در تاریخ خود به ابزارهای نوین سیاست‌گذاری پولی مجهز شد. راه‌اندازی «عملیات بازار باز» (OMO) به بانک مرکزی این امکان را داد تا از طریق خرید و فروش اوراق دولتی، نرخ بهره و نقدینگی را مدیریت کرده و کنترل تورم را از طریق مکانیزم‌های بازار دنبال کند.

عملیات بازار باز» - به عنوان سازوکاری برای تنظیم غیرمستقیم سیاست پولی، به بانک مرکزی اجازه داد بدون مداخله دستوری، با مدیریت نرخ سود بین‌بانکی و هدایت نقدینگی می‌سازد، از تشدید نوسانات تورمی و بی‌انضباطی پولی جلوگیری کند.

در نتیجه اجرای این سیاست در دوره ریاست همتی، نرخ سود در بازار بین‌بانکی از نوسانات شدید فاصله گرفت و به‌تدریج به یک دامنه قابل کنترل هدایت شد؛ موضوعی که باعث شد بانک‌ها کمتر به اضافه‌پرداخت از بانک مرکزی متوسل شوند و رشد بی‌ضابطه پایه پولی تا حدی مهار شود. این ابزار همچنین به بانک مرکزی امکان داد سیاست پولی را از مسیر بازار و نه دستور مستقیم اعمال کند و برای نخستین‌بار چارچوبی شفاف‌تر برای کنترل نقدینگی و مدیریت تورم در اقتصاد ایران شکل بگیرد.

وی همچنین در حوزه تکنولوژی،

و ارزی کسب کرده است.»
در این گزارش تلاش می‌کنیم تا با بررسی عملکرد همتی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی دولت حسن روحانی، تصویر از کارنامه همتی در گذشته به دست دهیم.

عبدالناصر همتی در حالی اولین دوره ریاست خود را در مرداد ۱۳۹۷ آغاز کرد که اقتصاد ایران تحت تأثیر خروج آمریکا از برجام با شوکی عظیم روبه‌رو بود. او تا خرداد ۱۴۰۰ که به دلیل کاندید شدن برای انتخابات ریاست جمهوری از سمت خود کناره‌گیری کرد، سکان برج میرداماد را بر عهده داشت.

مدیریت بحران ارزی و جراحی بزرگ در ساختار بانکی

یکی از مهم‌ترین اقدامات وی در آن دوره، طراحی و راه‌اندازی سامانه نیما برای بازگشت ارز حاصل از صادرات بود؛ ابزاری که توانست در میانه تحریم‌ها، نرخ دلار را برای مدتی در کانال ۱۱ تا ۱۳ هزار تومان تثبیت کند. ضمناً این سیاست توانست منافع تولیدکنندگان را هم تقویت کند به نحوی که صادرکنندگان در طول ۹ ماه نخست سال ۱۳۹۷ حدود ۲۹ میلیارد یورو صادرات داشتند و حدود ۲۲ میلیارد یورو از طریق بانک مرکزی و حدود ۷ میلیارد یورو از طریق سامانه نیما برای واردات ارز تأمین شد که این امر نشان از حمایت بانک مرکزی از صادرکنندگان و تولیدکنندگان بود.

همتی با اعتقاد به اینکه نقدینگی سرگردان عامل اصلی سفته‌بازی است، سقف تراکنش‌های بانکی را محدود و نظارت بر چک‌های تضمینی را تشدید کرد تا مسیره‌های خروج سرمایه و دلال‌بازی در بازار ارز مسدود شود. همتی در دورانی که این سیاست را اتخاذ کرد تأکید داشت: «پولشویی آشکار از طریق چک‌های تضمینی و کارت‌های بانکی توسط سفته‌بازان انجام می‌شد که این روند متوقف شده است؛ لذا قصد ما جلوگیری از سفته‌بازی و کاهش ارزش پول ملی است و نمی‌خواهیم محدودیتی در

بازگشت عبدالناصر همتی به ریاست بانک مرکزی در شرایطی اتفاق می‌افتد که بازار ارز ملتهب است و دولت با موجی از نارضایتی‌های معیشتی روبه‌روست. انتخابی که به گفته رئیس‌جمهور، نه یک تصمیم سیاسی، بلکه نتیجه ارزیابی‌های کارشناسی و تجربه همتی در مدیریت بحران‌های پولی و ارزی است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴ - شیوا سپهری: در روزهایی که تلاطم بازار ارز و کاهش ارزش پول ملی، نبض اقتصاد ایران را به شماره انداخته و اعتراضات کسبه و مردم به وضعیت معیشتی وارد هفتمین روز خود شده است، مسعود پزشکیان طی تصمیمی جدید، هدایت برج میرداماد را بار دیگر به دست عبدالناصر همتی سپرد. این درحالیست که محور آغاز اعتراضات بازار در روزهای اخیر نسبت به افزایش نرخ دلار بوده و این رقم از مهر ماه ۱۴۰۴ تا اواسط آذر ماه از حدود ۱۰۸ هزار تومان به ۱۳۰ هزار تومان رسیده است.

این جایچایی در ریاست بانک مرکزی که با کناره‌گیری محمدرضا فرزین همراه بود، در حالی رخ می‌دهد که مسعود پزشکیان انتخاب همتی در دولت را نتیجه «یک فرآیند کارشناسی و مبتنی بر ضرورت‌های مدیریتی» عنوان کرده است.

به گفته رئیس‌جمهور، در جریان بررسی گزینه‌های جایگزین «حدود ۲۲ گزینه بالقوه برای مدیریت بانک مرکزی شناسایی شدند و این افراد بر اساس شاخص‌های تخصصی، مدیریتی و تجربی، توسط اساتید برجسته دانشگاهی و کارشناسان خبره مورد ارزیابی قرار گرفتند.»

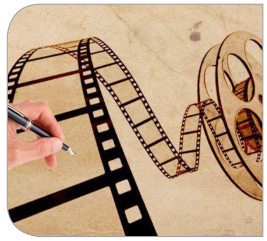
پزشکیان با تأکید بر اینکه «دغدغه‌های مطرح‌شده درباره شرایط اقتصادی و انتظارات نمایندگان نیز در این فرآیند به‌طور کامل لحاظ شده»، گفت: «نتایج ارزیابی‌ها نشان داد آقای دکتر همتی با اختلاف قابل توجه، بالاترین امتیاز را از نظر توان علمی، تجربه اجرایی و شناخت مسائل پولی

چهار فیلم سینمایی پروانه نمایش گرفتند

علی قوی-تن در جزی و «پرکنند پرنده کشته نشده» به تهیه‌کنندگی نادر خادم طریقت و کارگردانی سید امیرعلی مکرمی-نژاد موافقت شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی را کسب کردند.

نیلو» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی سیدجلال دهقانی‌اشکذری، «هاوار» به تهیه‌کنندگی بهمن اردلان و کارگردانی محمدرضا اردلان، «آتشبان» به تهیه‌کنندگی علی قوی-تن در جزی و حامد قوی-تن در جزی و کارگردانی

شورای بازبینی فیلم‌های سینمایی با صدور پروانه نمایش ۴ فیلم موافقت کرد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اداره کل روابط عمومی سازمان سینمایی، فیلم‌های «رخ



بودجه نجومی صداوسیما:

سنگ فرهنگی یا بنگاه سیاسی؟

برای چنین سازمانی خرج شود. او با اشاره به این نکته که عدم رضایت مردم ناشی از خروجی ضعیف این رسانه است، گفت: «از سوی دیگر اگرچه مواد ۱۰ و ۱۲ اساسنامه سازمان صدا و سیما، پرورش و یا جذب نیروی انسانی متخصص را در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری از جمله اهداف و برنامه‌های سازمان برشمرده است، اما با توجه به کیفیت برنامه‌های سازمان، خروجی آن و همچنین اقبال بیشتر شهروندان به برنامه‌های رسانه‌های غیررسمی یا خارج از کشور، اساساً سازمان این بخش از اهداف خود را به فراموشی سپرده و اگر نیروی متخصصی جذب شده یا طی سالیان اخیر از سازمان خارج شده یا اینکه به دلیل محدودیت‌ها و خط قرمزهای فراوان برنامه‌سازی سازمان، فرصت بروز و ظهور استعدادهای این اشخاص از ایشان سلب شده است. بنابراین در چنین شرایطی، افزایش چند هزار میلیاردی بودجه سازمان و عدم خروجی مدنظر شهروندان، به درستی می‌تواند موجب انتقاد و نارضایتی شهروندان را فراهم آورد.»

تلاش برای از میدان به در کردن رقبا
عزیزی با تشریح این مورد که صدا و سیما با محدود کردن پلتفرم‌ها قصد دارد رقیب خود را حذف کند، گفت: «در حالی که شبکه‌های ماهواره‌ای خارج از کشور و همچنین پلتفرم‌های فعال در شبکه نمایش خانگی با بودجه بسیار کمتر و همچنین تعداد نفرات و نیروی انسانی به مراتب کمتر، برنامه‌هایی تولید می‌کنند که با اقبال میلیونی و بعضاً چند ده میلیونی مخاطبان مواجه می‌شوند، می‌بینیم که سازمان صداوسیما از طرق مختلف از جمله از طریق سازوکارهای قانونی و فراقانونی نظیر تصویب قوانین در مجلس شورای اسلامی و یا مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تلاش برای از میدان به در کردن رقبای داخلی خود در شبکه‌های نمایش خانگی از طریق وضع قوانین و مقررات محدودکننده است به طریقی که در عمل رسانه‌های مستقل یا غیردولتی مجبور باشند برای هر اثر تولیدی خود به این رسانه مراجعه نمایند. در چنین شرایطی سازمان صداوسیما که خود به نوعی رقیب پلتفرم‌های بخش خصوصی است، به جای آنکه تلاش کند برنامه‌سازی خود را به خواست و نگاه عمومی نزدیک کند، در تلاش است تا با وضع قوانین و مقررات محدودکننده با کمک نهادهای قدرتمند دولتی، فعالیت چنین رسانه‌هایی را بیش از پیش محدود سازد.»

او در پایان گفت: «بنابراین به نظر می‌رسد حتی تخصیص بودجه ۹ هزار میلیارد تومانی برای تولیدات نمایشی سازمان و امکان رقابت نامتوازن با بخش خصوصی و شبکه نمایش خانگی و ماهواره‌ها نمی‌تواند صدواوسیما را از وضعیتی که در آن گرفتار است نجات دهد. حتی ایجاد و اعمال محدودیت بر آزادی بیان رسانه‌ها و گسترش ممیزی با تصویب قوانین و مقررات جدید و از میدان به در کردن رقبا و بسط تک صدایی در قالب رسانه رسمی نیز احتمالاً نتواند منجر به بهبود وضعیت سازمانی باشد که خواست و نگاه مردم در حوزه تضارب آراء و افکار، آزادی بیان و پوشش و بیان نقدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی... در آن دیده و شنیده نمی‌شود.»



جمله می‌توان به تعداد پرسنل ۱۰ هزار نفری رسانه دولتی کشور چین با حدود یک و نیم میلیارد جمعیت و تعداد ۳۵۰۰ نفری پرسنل رسانه دولتی اسپانیا ۵۰ میلیون نفری اشاره کرد که با تعداد پرسنل بسیار کمتری از سازمان صدا و سیما فعالیت می‌کنند.»

عدم توجه به تضارب آراء و تفاوت افکار و عقاید

او با تأکید بر این که طبق قانون صدا و سیما باید به سلاقی مردم احترام بگذارد اما این مهم رخ نداده است گفت: «برخلاف آنچه در صدر اصل یکصد و هفتاد و پنجم قانون اساسی مبنی بر اینکه «در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد»، شاهد آن هستیم که اساساً سازمان صداوسیما برای بسیاری از افکار و عقاید، حتی افکار و عقاید درون دایره طرفداران نظام جمهوری اسلامی نیز جایی ندارد. لذا این سازمان امروزه به گواه بخش مهمی از کارشناسان و افراد جامعه، افکار عمومی را نمایندگی نمی‌کند. لذا از اهداف اولیه خود فاصله گرفته و بیشتر از اینکه رسانه‌ای ملی باشد، رسانه‌ای در جهت امیال حکومت و آن هم گروهی خاص از حکومت تبدیل شده است.»

افشین عزیزی افزود: در چنین وضعیتی که دستکم بخش قابل توجهی از جامعه سازمانی را نمایندند خود نمی‌داند و بر این باور است که این سازمان بیش از آنکه رسانه‌ای با هدف روشنگری و پیگیری حقوق عموم باشد، به بنگاهی سیاسی تبدیل شده که صرفاً افکار بخشی از دستگاه حکومتی را نمایندگی می‌کند، بدیهی است این پرسش و انتقاد از سوی شهروند معترض نیز مطرح شود که چنین سازمانی چرا باید از بودجه عمومی کشور که از محل ثروت عمومی و متعلق به همه شهروندان است، اداره شود و بودجه‌ای که ریال به ریال آن متعلق به شهروندان است،

بودجه از منظر حقوقی نیز با ایرادات متعددی مواجه است. از جمله اینکه مطابق با نص صریح بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی، «ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضرور»، از جمله اهداف دولت برشمرده شده است که دولت در معنای مجموعه حاکمیت و نیروهای قوای سه گانه و حتی خارج از آن، موظف هستند برای نیل آن، همه امکانات خود را به کار برند. در چنین فرضی که حذف تشکیلات غیر ضرور از وظایف حاکمیت است، نمی‌توان با هیچ منطقی جز این منطق دستگاه حاکمیت که صداوسیما را به مثابه سنگر می‌پندارد، چنین بودجه‌ای را توجیه کرد.»

او افزود: «این مهم زمانی مشخص می‌شود که سیر نزولی مخاطبان سازمان صداوسیما با آن همه عده و عده و تشکیلاتی با حدود ۴۰ هزار پرسنل و بودجه چند ده هزار میلیاردی را با میزان مخاطبان شبکه‌های نمایش خانگی با چند ده نفر یا در خوشبینانه‌ترین حالت پرسنلی زیر ۵۰۰ نفر و بودجه و درآمد بسیار کمتر مقایسه کنیم. حتی چه بسا سازمان صدا و سیما در مقام مقایسه با یوتیوبرها و بلاگرهای اینستاگرامی که برنامه‌های صرفاً دیالوگ محوری با کمترین هزینه ممکن برگزار می‌کنند نیز نمره قبولی نگذرد. امروز همه می‌دانیم که برنامه‌های صداوسیما حداکثر در خصوص برخی بخش‌های انحصاری نظیر مسابقات ورزشی از جذب مخاطب عاجز و ناتوان است و به نوعی قافیه را به رقبای کمتر برخوردار از نظر مالی و ابزارهای اجرایی و کمیت نیروی انسانی، باخته است.»

وی با تأکید بر اختلاف قابل توجه تعداد نیروی کار در ایران نسبت به کشورهای توسعه‌یافته گفت: «همین مورد در خصوص رسانه‌های دولتی سایر کشورها نیز صادق است. به عبارتی در بخش مهمی از دیگر کشورها، رسانه دولتی این کشورها با تعداد نیروی بسیار کمتری از سازمان صدا و سیما اداره می‌شود. از

پژوهشگر حوزه حقوق رسانه، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید. افشین عزیزی در ابتدا با اشاره به اهمیت بالاتر بودن بودجه صدا و سیما از وزارت صمت گفت: «در خصوص بودجه سازمان صدا و سیما باید چند نکته را مدنظر قرار داد. به عنوان مثال، تفاوت معنادار حدود ۱۴ هزار میلیارد تومانی بودجه این سازمان نسبت به وزارتخانه مهمی نظیر وزارت صمت، بدین شکل که بودجه سازمان صدا و سیما آنهم در شرایط خطیر اقتصادی فعلی حدود ۷۴ درصد بیشتر از وزارتخانه کلیدی در حوزه صنعت و اقتصاد نظیر صمت است. همچنین بودجه این سازمان بیش از یک سوم بودجه ۹۴ هزار میلیاردی وزارت اقتصاد با زیرمجموعه‌های مهم و متعدد بر حوزه اقتصاد و معیشت مردمان است. لذا این اعداد و ارقام مبین این مهم است که اولاً سازمان صداوسیما برای مجموعه دستگاه حاکمیت، مهم‌تر از حوزه صنعت و اقتصاد است و می‌تواند کارایی مهم‌تری برای منویات حکومت و مجموعه دولت داشته باشد.»

او ادامه داد: «می‌دانیم که از نظر دستگاه حاکمیت، صدا و سیما نه به‌عنوان یک رسانه صرف، بلکه نوعی خط مقدم فرهنگی و ابزاری برای پیاده‌سازی آراء و افکار حاکمیت به جامعه هدف و مخاطبین دولت است. لذا از این منظر، پیش‌بینی چنین بودجه هنگفتی همانقدر که برای عامه مردم و همچنین فعالین حوزه رسانه، متخصصان حوزه‌های علوم انسانی، اقتصاد و حقوق قابل نقد و غیرقابل هضم باشد، برای مجموعه دولت می‌تواند توجیه‌پذیر است.»

فریه کردن تشکیلات دولتی بدون توجه قانونی

عزیزی با تأکید بر بندهای قانونی گفت: «فارغ از ایرادات و نقدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به بودجه سازمان صداوسیما، این

افزایش چندبرابری بودجه صداوسیما در سال‌های اخیر، در کنار ریزش مخاطبان و تردیدها درباره آمارهای رسمی، دوباره نسبت هزینه و اثرگذاری رسانه ملی را به محل مناقشه تبدیل کرده است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین رشد شتابان بودجه سازمان صداوسیما در سال‌های اخیر، بار دیگر نسبت میان منابع مالی و اثرگذاری واقعی رسانه ملی را به یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حوزه رسانه تبدیل کرده است. در حالی که لایحه بودجه ۱۴۰۵ از اختصاص اعتباری بیش از ۳۵ هزار میلیارد تومان به این سازمان حکایت دارد، پرسش اساسی همچنان پابرجاست: آیا این افزایش چشمگیر توانسته به ارتقای کیفیت برنامه‌ها، بازسازی اعتماد عمومی و تقویت مرجعیت رسانه‌ای منجر شود یا تنها به گسترش ساختاری پرهزینه با بازدهی محدود انجامیده است؟

همزمان، ادعاهایی درباره سهم بالای مخاطبان تلویزیون و تعریف‌های حداقلی از «تماشا»، شکاف میان آمارهای رسمی و تجربه زیسته مخاطبان را پررنگ‌تر کرده است. کاهش تدریجی اعتماد عمومی، مهاجرت گسترده نسل‌های جدید به پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، تکرار فرمول‌های محتوایی و نبود آثار ماندگار، همگی نشانه‌هایی از بحرانی عمیق‌تر در سیاست‌گذاری و حکمرانی رسانه‌های هستند؛ بحرانی که صرف افزایش بودجه، بدون اصلاحات ساختاری، شفافیت مالی و بازنگری در مأموریت رسانه ملی، قادر به حل آن نخواهد بود.

افزایش چندبرابری بودجه صداوسیما در سال‌های اخیر، در کنار ریزش مخاطبان و تردیدها درباره آمارهای رسمی، دوباره نسبت هزینه و اثرگذاری رسانه ملی را به محل مناقشه تبدیل کرده است.

ریحانه اسکندری: رشد شتابان بودجه سازمان صداوسیما در سال‌های اخیر، بار دیگر نسبت میان منابع مالی و اثرگذاری واقعی رسانه ملی را به یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث حوزه رسانه تبدیل کرده است. در حالی که لایحه بودجه ۱۴۰۵ از اختصاص اعتباری بیش از ۳۵ هزار میلیارد تومان به این سازمان حکایت دارد، پرسش اساسی همچنان پابرجاست: آیا این افزایش چشمگیر توانسته به ارتقای کیفیت برنامه‌ها، بازسازی اعتماد عمومی و تقویت مرجعیت رسانه‌ای منجر شود یا تنها به گسترش ساختاری پرهزینه با بازدهی محدود انجامیده است؟

همزمان، ادعاهایی درباره سهم بالای مخاطبان تلویزیون و تعریف‌های حداقلی از «تماشا»، شکاف میان آمارهای رسمی و تجربه زیسته مخاطبان را پررنگ‌تر کرده است. کاهش تدریجی اعتماد عمومی، مهاجرت گسترده نسل‌های جدید به پلتفرم‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، تکرار فرمول‌های محتوایی و نبود آثار ماندگار، همگی نشانه‌هایی از بحرانی عمیق‌تر در سیاست‌گذاری و حکمرانی رسانه‌های هستند؛ بحرانی که صرف افزایش بودجه، بدون اصلاحات ساختاری، شفافیت مالی و بازنگری در مأموریت رسانه ملی، قادر به حل آن نخواهد بود.

برای واکاوی این مسائل، با افشین عزیزی،



عامل موساد در جمع اغتشاشگران دستگیر شد

معاونت اجتماعی فراجا از دستگیری عامل موساد در جمع اغتشاشگران پایتخت خبر داد. به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از تسنیم، یک عامل وابسته به سرویس جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) که در پوشش حضور در میان اغتشاشگران فعالیت می کرد، توسط دستگاه‌های امنیتی

شناسایی و دستگیر شد. این فرد در بخشی از اعتراضات خود به نحوه جذب، آموزش و ارتباط‌گیری با عناصر مرتبط با موساد اشاره کرده و گفته است: در شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام و تلگرام، افرادی را شناسایی می کردند که فعالیت و لایک دارند. می گفتند هر کاری بخواهی انجام

لایحه بودجه ۱۴۰۵:

محیط زیست همچنان قربانی تورم و بی‌اولویتی دولت



حذف چهار صفر پول ملی، به حدود ۹۲ هزار و ۷۹۷ میلیارد ریال (نزدیک به ۹ همت) می‌رسد؛ رقمی که در مقایسه با سال ۱۴۰۴ حدود ۱۳۰۹ درصد رشد اسمی را نشان می‌دهد، اما با توجه به نرخ بالای تورم، از منظر واقعی به‌معنای کاهش قدرت بودجه‌ای این سازمان است.

جزئیات اعتبارات سازمان حفاظت محیط زیست

طبق لایحه بودجه، مجموع اعتبارات هزینه‌ای سازمان حفاظت محیط زیست در سال آینده حدود ۶۰ هزار و ۶۶۳ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. همچنین در بخش تملک دارایی‌های سرمایه‌ای، رقمی معادل ۳۲ هزار و ۱۳۴ میلیارد ریال برای این سازمان در نظر گرفته شده است؛ اعتباری که باید صرف توسعه زیرساخت‌ها، تجهیزات و پروژه‌های حفاظتی شود.

رشد عددی، ناکافی در برابر بحران‌های انباشته

هرچند ارقام بودجه‌ای نسبت به سال گذشته افزایش یافته‌اند، اما واقعیت آن است که این رشد نه‌تنها متناسب با تورم نیست، بلکه پاسخگوی حجم گسترده بحران‌های زیست‌محیطی کشور نیز نخواهد بود. بحران آب، خشک‌شدن

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد که محیط زیست همچنان جایگاه شایسته‌ای در نظام بودجه‌ریزی کشور ندارد.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از تسنیم، لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ که به‌تازگی از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شده است، نشان می‌دهد علی‌رغم افزایش عددی برخی ردیف‌ها، محیط زیست همچنان جایگاه شایسته‌ای در نظام بودجه‌ریزی کشور ندارد؛ موضوعی که در شرایط تشدید بحران‌های زیست‌محیطی، بیش از گذشته نگران‌کننده به نظر می‌رسد.

بررسی جداول بودجه‌ای حاکی از آن است که مجموع اعتبارات سازمان حفاظت محیط زیست در سال ۱۴۰۵، با احتساب

تالاب‌ها و دریاچه‌ها، آلودگی شدید هوا، فرونشست زمین، تخریب زیستگاه‌ها و تهدید روزافزون حیات‌وحش، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های به‌متراتب بزرگ‌تر و پایدارتر هستند.

کاهش یا رکود در ردیف‌های حساس نگاهی به ردیف‌های ذیل «امور چندگانه» نیز تصویر امیدوارکننده‌ای ارائه نمی‌دهد. اعتبارات مربوط به تقویت تشکلهای و سازمان‌های مردم‌نهاد محیط زیستی عملاً افزایشی نداشته و اعتبارات مرتبط با احیای تالاب‌ها کاهش یافته است. ردیف‌های مربوط به جرایم و خسارات زیست‌محیطی، از جمله قانون حفاظت از خاک، قانون شکار و صید و مدیریت پسماند، نیز با کاهش یا رکود بودجه‌ای مواجه شده‌اند و اعتبارات اجرای قانون حفاظت، احیا و مدیریت تالاب‌ها، جرایم آلودگی خاک و حمایت از محیط‌بانان در سطحی حداقلی باقی مانده است.

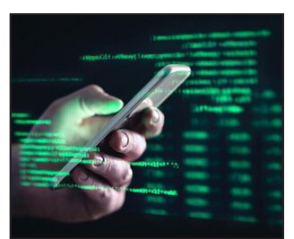
ضرورت باز کردن قفل مشارکت اجتماعی و بخش خصوصی

در چنین شرایطی، اتکال صرف به بودجه دولتی نه واقع‌بینانه است و نه کارآمد. باز شدن دست بخش خصوصی، شکستن قفل مشارکت اجتماعی و فعال‌سازی نقش مردم و تشکلهای می‌تواند یکی از معهود راه‌های جبران این عقب‌ماندگی باشد.

محیط زیست ایران، با بودجه‌ای که از تورم عقب مانده و نگاهی که هنوز تغییر نکرده، در آستانه فرسایش جدی قرار دارد؛ و لایحه بودجه ۱۴۰۵ بیش از آنکه نوید نجات بدهد، زنگ هشدار تداوم یک مسیر پرهزینه را به صدا درآورده است.

هشدار پلیس درباره کلاهبرداری واریز

کالابرگ ۴ میلیونی



معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتا همزمان با اجرای طرح جدید کالابرگ الکترونیکی و واریز اعتبار ۴ میلیونی، از افزایش پیامک‌ها و لینک‌های جعلی خبر داد.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، با اجرای گسترده طرح جدید کالابرگ الکترونیکی و واریز اعتبار ۴ میلیونی به حساب میلیون‌ها خانوار، کلاهبرداران سایبری فعال شده‌اند. در همین راستا سرهنگ جواد مختاررضایی، معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتا، در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به افزایش ارسال پیامک‌ها و لینک‌های جعلی همزمان با واریز کالابرگ ۴ میلیونی به حساب میلیون‌ها خانوار، کلاهبرداران سایبری فعال شده‌اند. در همین راستا سرهنگ جواد مختاررضایی، معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتا، در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به افزایش ارسال پیامک‌ها و لینک‌های جعلی همزمان با واریز کالابرگ ۴ میلیونی به حساب میلیون‌ها خانوار، کلاهبرداران سایبری فعال شده‌اند. در همین راستا سرهنگ جواد مختاررضایی، معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتا، در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به افزایش ارسال پیامک‌ها و لینک‌های جعلی همزمان با واریز کالابرگ ۴ میلیونی به حساب میلیون‌ها خانوار، کلاهبرداران سایبری فعال شده‌اند.

مهر نوشت: وی افزود: در اغلب این موارد، پیامک‌ها با عناوینی مانند «واریز کالابرگ»، «دریافت اعتبار جدید» یا «استعلام وضعیت کالابرگ» ارسال می‌شود و مجرمان با ایجاد حس اضطراب و فوریت، کاربران را به کلیک روی لینک ترغیب می‌کنند؛ در حالی که به محض کلیک، بدافزار روی تلفن همراه نصب شده و زمینه آلودگی و هک گوشی و

جوانی جمعیت در بودجه‌ها قربانی نگاه

رفع تکلیفی شده است



جمعیت، تسهیلات ازدواج، فرزندآوری، توانمندسازی زنان و حمایت از خانواده بود و این مسئله بسیار نگران‌کننده است، چراکه جمعیت باید هدف مشترک همه دستگاه‌های اجرایی کشور باشد.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ادامه داد: اکنون در سال چهارم اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت با ۷۳ ماده قانونی قرار داریم، اما باید ببینیم که فرآیندهای اجرایی، مدیران متولی و کارگروه‌های مرتبط، اثربخشی لازم را نداشته‌اند. رشد مولود نه‌تنها افزایشی نبوده، بلکه در بسیاری موارد روندی کاهش‌ی داشته است و در حوزه زنان، جوانان و خانواده نیز حمایت‌ها یا کاهش یافته یا عملاً رها شده‌اند.

وی خاطر نشان کرد: عدم موفقیت در تسهیلاتی مانند وام ازدواج، مسکن، واگذاری زمین و سایر مشوق‌ها نشان می‌دهد که مردم به فرآیندهای اجرایی و وعده‌های قانونی اعتماد ندارند و این قوانین را بیشتر در حد وعده تلقی می‌کنند.

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با انتقاد از بی‌توجهی به جوانی جمعیت در لایحه بودجه‌ای گفت: این حوزه در بسیاری از دستگاه‌ها صرفاً به‌صورت رفع تکلیف دیده شده است.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از مهر عالی‌ه زمانی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی با اشاره به وضعیت نگران‌کننده سیاست‌های جمعیتی کشور، گفت: متأسفانه در لایحه و جداول بودجه‌ای، حوزه «جوانی جمعیت» به‌صورت جدی و هدفمند دیده نشده و در بسیاری از دستگاه‌های اجرایی، این موضوع صرفاً به شکل رفع تکلیف و پوششی لحاظ شده است.

وی افزود: در برخی دستگاه‌ها، عنوانی چهارکلمه‌ای شامل «زن، خانواده، جوان و جمعیت» در کنار هم قرار داده شده، بدون آنکه برای هیچ‌یک از این حوزه‌ها برنامه مشخص و ردیف بودجه مؤثر در نظر گرفته شود، حتی در مواردی، ارقام تخصیص‌یافته به این سرفصل‌ها کمترین عدد در جداول همان دستگاه بوده که نشان می‌دهد دولت نگاه اولویت‌داری به این موضوعات نداشته است.

زمانی با اشاره به بررسی لایحه در کمیسیون تلفیق تصریح کرد: این لایحه در تطبیق رد شد و با بیش از ۷۰ درصد آرای مخالف، یکی از دلایل اصلی رد آن، بی‌توجهی جدی به حوزه جوانی

تکلیف نامشخص «فوق‌العاده خاص معلمان» در بودجه ۱۴۰۵



سخنگوی وزارت آموزش و پرورش ضمن اعلام کاهش بدهی آموزش و پرورش به ۲۵ همت به لایحه بودجه سال آتی این وزارتخانه اشاره کرد و گفت: در بودجه ۱۴۰۵ مواردی از جمله «فوق‌العاده خاص» لحاظ شده اما بستگی به سیاست دولت در این خصوص دارد. در لایحه قبلی که در مجلس رد و به دولت برگشت داده شد، میانگین افزایش ۳۰ درصد بود، حالا باید دید در لایحه جدید اصلاحی، وضعیت چگونه است که در تلاش برای افزایش آن هستیم.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از ایسنا علی‌فرهادی در خصوص لایحه بودجه این وزارتخانه در سال ۱۴۰۵ گفت: لایحه مورد نیاز را تقدیم دولت کرده‌ایم؛ هنوز بودجه قطعی نشده و باید در مجلس و شورای نگهبان تأیید و مصوب شود اما آموزش و پرورش در تکاپو و تلاش است تا حداکثر منابع را به سمت خود بیاورد.

وی با بیان اینکه محدودیت‌هایی در منابع دولت داریم اما جدای از این امر، نیازهایمان را بر اساس اداره آموزش و پرورش تقدیم دولت کرده‌ایم افزود: در حوزه سرانه، مدارس شبانه روزی، عادی، خارج از کشور، معاونت پرورشی، سازمان نوسازی مدارس، معاونت تربیت بدنی و سلامت، حوزه آموزش معلمان و ... لایحه را تقدیم دولت کردیم که لایحه‌ای کامل است.

سخنگوی وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه سال گذشته سال خوبی در بحث بودجه داشتیم ادامه داد: نسبت افزایش بودجه سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۳، ۶۷.۵ درصد بود. امیدوارم امسال هم اعتبار خوبی رقم بخورد ولی آنچه در دولت بحث می‌شود، میانگین افزایش بودجه کشور است که امیدواریم بیشترین سهم را بتوانیم به سمت خودمان بیاوریم.

وی با بیان اینکه حدود ۹۵ درصد بودجه وزارتخانه، پرسنلی است اما با توجه به افزایش حقوقی که دولت برای همه کارکنان مصوب می‌کند به تبع ما هم تابع مقررات هستیم اظهار کرد: در بودجه مواردی از جمله «فوق‌العاده خاص» لحاظ کردیم اما بستگی به سیاست‌گذاری‌های دولت دارد که برای همه دستگاه چگونه این مورد پیش‌بینی شده است. در لایحه قبلی که در مجلس رد و به دولت برگشت داده شد، میانگین افزایش ۳۰ درصد بود که حالا باید دید این لایحه جدیدی که دولت مجدداً اصلاح و به مجلس می‌فرستد، چگونه است که در تلاش برای افزایش آن هستیم.

وی با بیان اینکه وزارت آموزش و پرورش در یکی دو سال اخیر بدهی نداشته و کسری ایجاد نشده است افزود: آنچه ما را اذیت کرده، بدهی سال‌های گذشته بوده که از قبل جمع و مقدار زیادی از آن پرداخت شده، به عنوان مثال در اوایل سال ۱۴۰۳ بدهی وزارتخانه بیش از ۷۳ هزار میلیارد تومان بود اما الان این بدهی تقریباً به حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان کاهش یافته که نشان می‌دهد در دو سال گذشته تقریباً ایجاد بدهی نداشته‌ایم اما متأسفانه چون از قبل کسری داشتیم، آن را تأمین می‌کنیم که برای جبران آن هر بار سعی می‌کنیم از دولت پول بگیریم.

شرایط ویژه اشتراک انبوه
روزنامه صبح امروز
برای پیک موتوری‌ها، باربری‌ها و شرکت‌های خدماتی

با ما تماس بگیرید:
۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶
۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱

